

در شهر

(مجموعه اشعار)

احمد طاهری سرتشنیزی

۱۳۹۳

طاهری سرتشنیزی، احمد

پرسه در شهر / سروده: احمد طاهری سرتشنیزی، فرخ شهر: جهان بین، ۱۳۹۳، ۸۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۳۷-۸۲-۹

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف. عنوان



انتشارات جهان بین

فرخ شهر، خیابان باهنر، کوچه ۲، پلاک ۹، تلفن همراه: ۰۹۱۳۳۸۲۲۲۸۱، تلفن: ۰۳۸۲ ۲۴۲ ۳۸۲

پرسه در شهر

سروده: احمد طاهری سرتشنیزی

ناشر: جهان بین

چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۳

تعداد: هزار نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۳۷-۸۲-۹

حق چاپ محفوظ است.

طراح جلد: احسان طاهری سرتشنیزی

قیمت: ۷۰/۰۰۰ ریال

صفحه	عنوان
۷	■ به جای مقدمه
۹	پیشه‌ی بازنشستگی
۱۱	پرواز روح
۱۳	قصه‌ی کرم
۱۷	تنبيه
۲۰	خاک و نمک
۲۲	دکان تست
۲۴	به همین سادگی
۲۶	شوخی با بعضی شعرا
۲۸	کار استکبار
۳۰	فرا جناحی
۳۳	اندر اصحاب بصیرت
۳۵	از ما بهتران
۳۹	بی خوابی

۴۱		اوضاع
۴۲		مرغ من
۴۴		حفظ الله تعالى
۴۷		از نبودن ها
۵۳		آخرین گزارش
۵۷		طلا
۵۹		همایش ریشه کنی فساد
۶۵		دو نفر
۶۷		شیطان رحیم
۶۹		خر در گل
۷۰		خرهای امروزی
۷۲		بقال
۷۴		رنگ
۷۶		بسته
۷۶		محتکر
۷۶		بهار
۷۷		مانده از مجلس
۸۱		آب و نان
۸۴		جناب وکیل
۸۷		از قیاسش خنده آمد خلق را
۸۹		بابا طاهر و انتخابات
۹۱		از قیاسش خنده آمد خلق را

به جای مقدمه

متولد سال ۱۳۴۳ در روستای سرتشنیز از توابع استان چهارمحال و بختیاری هستم. تحصیلات ابتدایی را در دبستان ادب سرتشنیز پشت سر گذاشتم. راهنمایی و دبیرستان را در فرخ شهر و شهرکرد سپری کردم. سال اول دبیرستان مصادف شد با پیروزی انقلاب اسلامی که خاطراتی خوش از خود بر جای گذاشت. در سال ۱۳۶۱ موفق به اخذ دیپلم در رشته اقتصاد و اجتماعی از دبیرستان سید جمال‌الدین اسدآبادی شهرکرد شدم. در دروس به گواهی کارنامه‌هایم اغلب جزء شاگردان ممتاز بودم.

در سال ۱۳۶۱ در رشته آموزش ابتدایی در مرکز تربیت معلم شهید رجایی شهرکرد مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۳ با اخذ فوق دیپلم در همان مرکز مشغول کار شدم. در خلال سال‌های دفاع مقدس چند ماهی افتخار حضور در جبهه داشتم که ماندگارترین درس‌های زندگی‌ام را در آن جا فرا گرفتم. در سال ۱۳۶۸ تصمیم به ادامه تحصیل گرفتم. در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور شهرکرد پذیرفته شدم و با انتقال محل کار و تدریس به دبستان ادب سرتشنیز هم زمان به کار و درس مشغول بودم. در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ مدرک کارشناسی شدم. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸ در اداره آموزش و پرورش کیار مشغول به کار بودم و

پس از آن تا سال ۱۳۸۵ در دبیرستان‌های ناحیه ۲ شهرکرد تدریس کردم و از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ در آموزشکده فنی و حرفه ای پسران شهرکرد به کار اداری مشغول بودم. پس از وقفه‌ای سه چهار ساله، اینک نیز در همان آموزشکده مشغول به کار هستم.

نخستین علاقمندی‌هایم به شعر و ادبیات و داستان از همان کودکی آغاز شد. پدرم کشاورزی بود که با آنکه سواد خواندن و نوشتن نداشت اما اشعار و داستان‌های زیادی را حفظ بود و با چنان مهارتی شعر می‌خواند و داستان نقل می‌کرد که همه را جذب شیوهی بیان خود می‌کرد. زمستان‌ها اغلب از کوچک و بزرگ فامیل پای ثابت داستان گویی‌های او بودند. ذوق و علاقه به ادبیات فارسی از آنجا شروع شد و مرا به وادی ادبیات کشاند. اما در طول دوران خدمت مشغله‌ی کاری فرصت آنچنانی را برایم باقی نگذاشت که به طبع آزمایی بپردازم، هر چند، گاه مطالبی نوشته یا اشعاری سروده‌ام، اما ورود به عرصه نوشتن و شعر را از تابستان سال ۹۰ شروع کردم و در حال حاضر عضو انجمن ادبی امین شهرکرد هستم و در این راه از راهنمایی‌های ادب دوستان و فرهیختگان آن انجمن بهره می‌برم. از آنجایی که طنز را به عنوان دارویی برای درمان نابسامانی‌ها می‌دانم و توصیف طبیعت و بازگشت به فطرت را باعث تصفیه‌ی روح از آلائش‌ها برمی‌شمارم، سعی کرده‌ام بیشتر در این وادی‌ها سخن گویم. هر چند عرصه‌ی سخن محدودیتی ندارد. فارسی و واژه‌های زیبایش را هدیه‌ای الهی می‌دانم که بهترین بستر برای پرورش فکر و خیال و عرضه‌ی نقد حال به صاحبان کمال است و با آرایه‌های متنوع لفظی و معنوی معانی بلند و انسانی را به بشریت ارزانی می‌دارد.

احمد طاهری سرشنیزی

پهمن ماه ۱۳۹۰